



حمید سبزواری (شاعر) ، امیر حسین فردی(نویسنده) ، ابوالفضل علی‌اکبرافیسث) ، شهید رسول کالیفرنژاد(عکاس) ، حسن شایانفر(محقق) ، شهیداحمد زارعی(شاعر) ، مهرداد اوستا (شاعر) ، نصرالله مردانی (شاعر)

سیدنجانی‌بابایی(اگر بکارتکش) حبیب‌الله معلمی(شاعر) ، علیرضا قزوئه(شاعر) ، محمد علی گودینی(نویسنده) ، محمد مهدی سپار(شاعر) ، مجتهد مهدی(شاعر) ، سیمین‌دخت‌وحیدی(شاعر) ،ملواتپان(نویسنده‌وتصویرگر)

آینه هفتم: سیدحسین حسینی
اتان که از آغاز تا به امروز با قافله شعر و ادبیات انقلاب اسلامی همراه بوده اند، به خوبی می‌دانند که نام «سیدحسین حسینی» با شعر و ادبیات انقلاب پیوندی ناگسستنی دارد، چنانکه به درستی می‌توان از وی به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران شعر انقلاب - بخصوص شعر اعتراضی - نام برد. افران نیست اگر بگوییم یکی از شاخص‌ترین شعرهای اجتماعی انقلاب منتهوی «مرداب‌ها و آب‌ها» ست که آمیزهای از حسرت و حماسه و اعتراض است. شاعر و منتقد دقیقه یاب سید احمد نادمی در تبیین و تحلیل ارزش‌های ادبی و مضمونی این شعر در یادداشتی چنین گفته است: «شاعر شهسار می‌دهد که ارزش‌های انقلاب و دین بر معرض سنجش شدگی هستند. این مثنوی که نزدیک به هشتاد بیت دارد، با پیرنگ «روایت» نادهی گرفتن ارزش‌های انقلاب و تمسک شاعر به پاره‌های دین‌ش برای یافتن راهی برای رهایی از سبک شاعر که بهره‌گیری از آرایه‌های بیانی و طنز درونی است، پردازش شده است. صداقت مشفقانه شاعر و تصاویر تاثیرگذار این شعر، «فصلی از منظومه مرداب‌ها و آب‌ها» را به یکی از مهم‌ترین شعرهای ادبیات انقلاب اسلامی بدل ساخته است. این مثنوی را سید حسن حسینی در انتهای کتاب گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس خود آورده است. این شعر، برای اولین بار در سال ۱۳۴۴ در نشریه کیهان فرهنگی منتشر شد.»

رزمزه ایبانی چند از این مثنوی ارزنده و تاثیرگذار خالی از لطف نیست:

ماجرا این است: کم کم کمیّت بالا گرفت
جای ارزش‌های ما را، عرضه کالا گرفت
احترام «عیا علی» در ذخن بازوها شکست
دست مردی خسته شد، پای ترازوها شکست
فرق مولای عدالت، بار دیگر چاک خورد
خطبه‌های آتشین، متروک ماند و خاک خورد
زیر باران‌های جاهل، سقف تقوا نم کشید
سقف‌های سخت، مانند مقوا نم کشید
با کدامین سحر، از دل‌ها محبت جانم شد؟
ناجانومردی هنر، مردانگی‌ها عیب شد!
«حسینی» از شاعران خلاق، جسور و نوآوری بود که «درد مسلمانی» داشت. او همچون «بوذر» فرزند ارتضاد در دود و هماره و از روی «درد آگاهی» پاره‌های دل خود را به روی کاغذ می‌پاشید و از هنر خویش در جهت پاسداری از ارزش‌های اصیل انسانی و اسلامی بهره می‌برد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اولین دفتر شعر این شاعر شیعی با عنوان «همصدا با خلق اسماعیل» در سال ۱۳۶۳ به همت حوزه هنری چاپ و منتشر گردید. وی با مجموعه «همصدا با خلق اسماعیل» خود به عنوان شاعری خلاق و صاحب سبک به جامعه ادبی معرفی شد. حسینی پس از آن به ترجمه کتاب «حمام روح» اثر جبران خلیل جبران پرداخت و علاوه بر این دو کتاب، دفتری از نثرهای کوتاه خود را که بعضی از نثرهای آن به «کلام‌پلگماتوری» می‌ماند تحت عنوان «براهه» منتشر ساخت. در سال ۱۳۶۸ نیز رساله‌ای در تحلیل آثار و اشعار بیدل دهلوی با عنوان «بیدل،

اشاره

در این مقاله، جلال و جمال شعر انقلاب را در دوازده آینه بی‌غبار به تماشا می‌نشینیم. آینه‌های روشنی که هر چند از دام تعلق زمین رسته و به آسمان پیوسته‌اند، ولی ما همچنان می‌توانیم در لحظه‌های دلنتگی، حلاوت هم‌نشینی و هم نفسی با آنان را با مزمزه آثارشان تجربه کنیم. دوازده آینه‌ای که آمیزه‌ای از «آب و خرد و روشنی»اند. در این نوشتار، علاوه‌بر معرفی اجمالی این چهره‌های ماندگار، با ترنم و تبسم شعری، یاد و خاطره زلال‌شان را گرامی می‌داریم.

در بخش‌های اول و دوم این مقاله، جلال و جمال شعر انقلاب را در شش آینه روشن به تماشا نشستیم. اینک در بخش سوم، شما را دعوت به تماشای جلال و جمال شعر انقلاب در سه آینه دیگر می‌کنیم. آینه‌های روشنی با نام و نشان: سیدحسین حسینی، قیصر امین‌پور، و نصرالله مردانی.

جمال و جلال «شعر انقلاب» در دوازده آینه (بخش سوم)

■ **رضا اسماعیلی**



سپهری و سبک هندی» از او منتشر شد. این کتاب در برارنده مجموعه مقالاتی پیرامون بیدل، سبک هندی و تأثیرپذیری‌های سهراب سپهری شاعر نوسرای معاصر از بیدل می‌باشد.

او تا آخرین روزهای حیات خویش نیز - با تحمل ریاضت‌ها و ناملامت‌ها فراوان - همچنان حضوری فعال و تاثیرگذار در عرصه ادبیات انقلاب اسلامی داشت و بی‌هیچ اغراقی، نسل‌های شاعران بعد از انقلاب همه به نوعی از او و آثارش تاثیر پذیرفته‌اند. غزل زیر که تقدیم به حضرت امام شده، از اوست:

هلا، روز و شب فانی چشم تو
دلم شد چراغانی چشم تو
به مهمان شراب عطش می‌دهد
شگفت است مهمانی چشم تو
بنا را بر اصل خماری نهاد

ر ز روز ازل بانی چشم تو
پر از مثنوی‌های رزنده است
شب شعر عرفانی چشم تو
تویی قطب روحانی جان من
منم سالک فانی چشم تو
دلم نیمه شب‌ها قدم می‌زنم
در آفاق پارانی چشم تو
شفا می‌دهد آشکارا به دل
اشارات پنهانی چشم تو
هلا توره راه دریا دلان
مفاهیم طوفانی چشم تو



مرا جذب آیین آینه کرد
کرامات نورانی چشم تو
از این پس مرید نگاه توام
به بیات عرفانی چشم تو
آینه هشتم: قیصر امین پور

«قیصر امین پور» نیزاز به معرفی ندارد. چرا که یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین شاعران بعد از انقلاب است. شاعری که علاوه اهل شعر و ادب، مردم کوچه و بازار نیز از او می‌شناسند و شعرهای زلالش را مزمزه می‌کنند. تا آنجا که بعضی از شعرهای شعرش در ذهن و زبان مردم تبدیل به ضرب‌المثل شده است. شاعری که بعد از پیروزی انقلاب تا زمان کوچ، درعرصه‌های شعر، نقد ، پژوهش ادبی و آموزش شعر به هنرجویان حضوری فعال و تاثیرگذار داشت. ضمن این خود نیز درعرصه سرایش (بخصوص شعر نیمايي)خوش‌درخشید و آثاری

adabnora@kayhan.ir



صدا درآورد. او ما را دیگر بار به «خویشتن خویش» ارجاع داد تا در فتنه‌خیز حوادث و آوار ناکلی‌ها و نامرادی‌های اجتماعی، هویت انسانی خویش را از یاد نبریم؛ زندگی را بل طاقچه «عادت» به فراموشی نسپاریم و سرنوشت خود را به «هرچه باداباد» پیوند نزنیم. **این حنجره، این باغ صدا را نفروشد** **این پنجره، این خاطرها را نفروشد** **در شهر شما باری اگر عشق فروشی ست** **هم غربت آبادی ما را نفروشد** **تنها، به‌خدا، دلخوشی ما به دل ماست** **صندوقچه زاز خدا را نفروشد** **سرمایه دل نیست به جزاشک و به جز آه** **پس دست‌کم این آب و هوا را نفروشد** **در شهر شما باری اگر عشق فروشی ست** **آینه ششم: شمایا، شما را نفروشد** **در پیله پرواز به جز کرم نلوند** **پروانه پرواز رها را نفروشد** **یک عمر دودیدیم و لب چشمه رسیدیم** **این هروله سعی و صفا را نفروشد** **دور او نظر ماست اگر منزل این راه** **این منظره دورنما را نفروشد!**^(۱)

آن دوره مثل: عشقی، عارف و دهخدا در قالب غزل مضامین حماسی خلق کردند، در دوران پیروزی انقلاب اسلامی هم شعرايي - از جمله آقای مردانی - و دیگر شعرای دوره انقلاب از قالب غزل برای سرودن مضامین انقلابی استفاده کردند و تحولی در این نوع شعر که شعر عاطفی و غنایی بود ایجاد کردند و رنگ حماسی به آن بخشیدند.^(۲)

مردانی شاعری خلاق و تصویرگر بود. او با اعتقاد و باوری که به انقلاب و نهضت اسلامی داشت، برای دفاع و پاسداری از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و رساندن فریاد حقانیت ملت ایران به گوش جهان پا به این عرصه مقدس گناشت و تا آخرین نفس - ثابت قدم و استوار - در این سنگر باقی ماند و به مجاهدت پرداخت.

اشعار مردانی به رنگین گمانی از عشق و حماسه می‌ماند که بر فطرت انسان‌های آزاده نقش می‌بندد و بر لوح زمان جاودان می‌ماند.اصلی‌ترین مضمون‌های حماسی سروده‌های این شاعر متعهد، مضامینی چون: اسلام، انقلاب، امام، رزمندگان، جانبازان، شهیدان، و ارزش‌های بر آمده از یطن انقلاب است. غزل زیر که در ستایش شهیدان گمنام دفاع مقدس سروده شده، از اوست:

این غنچه گل از چمن گمشدگان است
آلاله سرخ دهن گمشدگان است
هر برگ گل سرخ که افتاده در این باغ
تن پاره‌ای از باغ تن گمشدگان است
صبحی که از آن روح فلق سرخ برآید
آینه گلگون بدن گمشدگان است
جاودیدترین قصه ناکفته هستی

شیرین سخنی از دهن گمشدگان است
گفتی که از این گمشدگان نیست نشانی
هر لاله نشان از کفن گمشدگان است
از خویش برون، گمشده خویش مجوید
در خانه دل‌ها وطن گمشدگان است
عطری که در آمیخته با فطرت گل‌ها
بوئی است که از پیرهن گمشدگان است
در غربت عالم نتوان زیست به شادی
شادی همه در انجمن گمشدگان است
سبب‌وز شهبابی، که فشانند گل خورشید
برقی زفر و سخن گمشدگان است
خود باختن و رفتن و از خویش گذشتن
معنای شدن در شدن گمشدگان است!^(۳)

منابع و مأخذ:

۱ - حسینی، سیدحسن، گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس، تهران، سوره مهر، ۱۳۸۰.

۲ - حسینی، سیدحسین، همصدا با خلق اسماعیل، تهران، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۳۳.

۳ - امین‌پور، قیصر، اگر عشق نبود (منتخب هشت دفتر شعر، تهران، سخن، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳.

۴ - همان، صص ۳۵۲ و ۳۵۳.

۵ - آن یار دلنواز (بی‌نامنامه مردانی)، تهران، سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹.

۶ - قزوئه، علیرضا، غزل معاصر ایران، تهران، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۲۷۸.

« این روزها بسر مینای پاره‌ای اظهارات از طرف مسئولان امر ، بحث فیلتر کردن اینستاگرام دوباره بالا گرفته است و موافقان و مخالفان همه اظهار نظر منتهوول ...»

اینکه فضای مجازی و ابزار و امکانات آن همچون اینستاگرام، چه سود و زیان‌هایی را می‌تواند به همراه داشته باشد، موضوع تازه و ناگفته‌ای نیست و هر فرد آگاه و مرتبط با این‌گونه امور، خوب می‌داند مثبت و بد و نتایج منفی یا دستاوردهای مثبت این عرصه، حاصل نگرش و چگونگی عملکرد کاربران آن است.

آنچه که در این زمینه می‌بایست گفت از آن است که دست‌اندرکاران وزارت ارشاد از

اشارات(۳)

این مطالب مخاطب خاص دارد

این مطالب مخاطب خاص ندارد

■ **علیرضا چخماقی**

امیر حسن چهل تن، در تازه‌ترین گفت‌وگوی خود با روزنامه شرق (چهاردهم آذر و دو هفت) گفته‌اند:

«...متأسفانه سانسور توانسته است ادبیات ما را مسخ کند. مثلاً در این شرایط به شدت اضطراب‌آلود آنچه به‌عنوان تولیدات ادبی به بازار می‌رسد فاقد عنصر اضطرابی است. ادبیات از روح دوران تهی شده است آن هم وقتی که اساساً بدون جنون و تفکرات دوزخی ادبیات به وجود نمی‌آید.»

با عنایت به اینکه آقای چهل تن ، قبلا هم در گفت‌وگویی مفصل دیگری با روزنامه شرق (هشتم خرداد نود و شش) تصریح کرده بود: حاصل نوشتن «سه‌گانه تهران» برای وی نوعی «رهایی اخلاقی» بوده است... و این نگارنده در کیهان (بیست و پنجم تیر نود و شش) و در همین صفحه ، حاشیه‌ای بر این اظهار نظر ایشان نوشتم؛ اکنون باید تصور کرد وقتی مینای دست به قلم شدن و حاصل نوشتن سه کتاب یک نویسنده از نظر خودش «رهایی اخلاقی»، یعنی قید اخلاقیات را زدن باشد و در ادامه‌اش هم معتقد به اینکه «ادبیات بدون جنون و تفکرات دوزخی به وجود نمی‌آید»؛ آنگاه باید اندیشید محاصل کار یک نویسنده با چنین نگرشی (رهایی اخلاقی - با جنون و تفکرات دوزخی) چه می‌تواند باشد؟ در ادامه‌اش بر سر این ذهن و روح و روان خوانندگان ناآگاه آثارش، چه تأثیراتی بر جای می‌گذارد!؟...

واژه ناهمگون با زبان فارسی، در رسانه‌ها فزونی گیرد و بدتر از این‌ها، شکل درست کلمات و اصطلاحات قدیمی نیز با تحریف و تغییر به صورت نادرست نوشته و گفته شوند.
و البته به سیمینای سال‌های اخیر که زیرسلطه سرمایه‌داران بی‌هنر، با ساختن فیلم‌های نازل و شبیه کمدی، گذشته از زبان، تیشه به ریشه فرهنگ و هویت ملی- اسلامی ما نیز می‌زنند کاری نداریم چرا که این همه ولنگاری و بی‌فرهنگی به اسم سینما، در قالب فرهنگ و ادب و هنر نمی‌گنجد و حدیث مفصل آن را، این اشارات کافی نیست... فعلا صحبت از این است که دست‌اندرکاران وزارت ارشاد از

واژه ناهمگون با زبان فارسی، در رسانه‌ها فزونی گیرد و بدتر از این‌ها، شکل درست کلمات و اصطلاحات قدیمی نیز با تحریف و تغییر به صورت نادرست نوشته و گفته شوند.

و البته به سیمینای سال‌های اخیر که زیرسلطه سرمایه‌داران بی‌هنر، با ساختن فیلم‌های نازل و شبیه کمدی، گذشته از زبان، تیشه به ریشه فرهنگ و هویت ملی- اسلامی ما نیز می‌زنند کاری نداریم چرا که این همه ولنگاری و بی‌فرهنگی به اسم سینما، در قالب فرهنگ و ادب و هنر نمی‌گنجد و حدیث مفصل آن را، این اشارات کافی نیست... فعلا صحبت از این است که دست‌اندرکاران وزارت ارشاد از

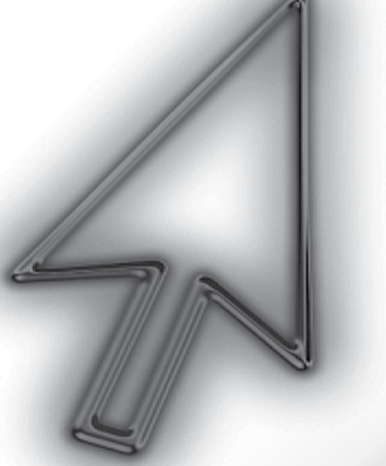
این است که فیلتر کردن امثال اینستاگرام ، چاره‌کار نیست و در نهایت مشکلی را حل نخواهد کرد، چرا که مبتذل‌نویسان و هزبه‌نگاران و دروغ‌نویسان و آنان که به اشاره عوامل خارجی، امنیت داخلی را خدشه‌دار می‌کنند؛ در حال، استفاده از فیلتر شکن برایاین ممکن و مقهور است و در این میان تنها سر کاربرانی بی‌کلاه می‌ماند که دل در گرو اسلام و انقلاب و سلامت جامعه دارند و هر یک به فراخور توان خویش، در برابر هجمو لجام گسیخته اراذل و اوباش اینترنتی، سد ایجاد کرده و حضورشان در عرصه‌های مجازی، منتقم و مفید و مؤثر است.

آقایان اگر قصد خدمت و اصلاح امور را دارند، نظارت قانونمند، روزآمد و مستمر بر فضای مجازی را وجهه همت خود قرار دهند و به جای خشک و تر با هر سوژاندن ، با سخاطیان برخورد جدی به عمل آورند. ، خلاصه اینکه فضای مجازی نیازمند مدیریت است و نه فیلتر.

به نظر می‌رسد فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دوره فترت را می‌گذراند و یا اگر هم فعالیتی دارد، آن چنان نیست که به نظر بیاید و تأثیر گذار باشد؛ هم‌زمان با این خواب زمستانی فرهنگستانی‌ها، بی‌عملی و لاقیدی وزارت ارشاد و کم توجهی صدا و سیما و بسیاری از مطبوعات و بی‌در و پیکری فضای مجازی، دست به دست هم داده‌اند تا روزه‌روز، شمار اصطلاحات من در آوردی و

باور کنید...!

■ **پژمان کریمی**



«نفوذ فرهنگی» پدیده و واقعیت غیرقابل انکاری است که همچنان به عنوان محور فعالیت جدی دشمن و مانند گذشته؛ یکی از کانون‌های هدف غفلت دولت و نیروهای خودی و انقلابی تلقی می‌شود.

روز دهم دی سال جاری خبرگزاری ایسنا که با مشی لیبرال اداره می‌شود، به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای ارسباران، خبر از برگزاری نمایشگاه پوستر با حضور ۴۸ گرافیست از ۱۷ کشور جهان داد.

این نمایشگاه بین‌المللی پوستر آب با عنوان «به رنگ حیات»، عصر پنجشنبه سیزدهم دی ساعت ۱۵ با حضور هنرمندان و مسئولان در نگارخانه ملک‌الشعرای بهار باغ‌موزه قصر آغاز بکار کرد. در میان شرکت‌کنندگان در نمایشگاه‌ها شده، اسامی چند گرافیست داخلی زویراده با انقلاب اسلامی دیده می‌شود. اما این اتفاق چندان مهم نبود. مهم و تاسف‌برانگیز، نام یک گرافیست اسرائیلی بود که در میان نام سایر شرکت‌کنندگان بانی بهت و مایه تاسف شد.

آن گرافیست کیست؟

به گفته‌ای: «یوسی لمل» فرد و گرافیست ناشناخته‌ای نیست. او به گواهی پروفایل صفحه شخصی‌اش در فضای مجازی، دارای هویت اسرائیلی و ساکن تل‌آویو است. بنابراین چه کسی می‌تواند ادعا کند که لمل فلسطینی است و با وجود زندگی در تل‌آویو، نسبتی با صهیونیسم ندارد و برکنار از فعالیت‌سیاسی توصیف می‌شود!؟

باید گفت بر پایه اطلاعات موجود؛ لمل نه تنها یک صهیونیست متعصب و ساکن سرزمین‌های اشغالی است بلکه با ادعای صلح دوستی، بی‌شک سرباز جنگ نفوذ در میان هنرمندان مسلمان و به ویژه هنرمندان ایرانی است.

لمل بیشتر در گفت‌وگویی مطبوعاتی به صراحت ماموریت خود را در پوشش یک آرزو بیان می‌کند. او تأکید می‌نماید خواهان برقراری ارتباط با هنرمندان ایرانی است.

اکنون چند پرسش وجود دارد:

اولاً دعوت‌کننده لمل که خود یک گرافیست است، چگونه از ماهیت اصلی مهمان بی‌خبر بوده است؟ مگر ممکن است؛ یک گرافیست مسئول، گرافیستی را به همایش و نمایشگاهی رسمی دعوت کند در حالی که از هویت و ماهیت آن مهمان بی‌خبر است!؟

دوم؛ فرض کنید دعوت‌کننده لمل بی‌خبر بوده است. چنین فرد بی‌خبری آیا دارای شایستگی تصدی «مسئولیت» است؟ سوم؛ نهاد و افرادی که به رویدادهایی چون نمایشگاه نظارت دارند، چگونه از هویت لمل با خبر نشده‌اند؟

چهارم؛ شنیده‌ها از حضور دعوت‌کننده لمل در شورای سیاست‌گذاری جشنواره هنرهای تجسمی فجر ۹۷ خیر می‌دهد. چه تضمینی وجود دارد که جشنواره هنرهای تجسمی فجر محل حضور افراد مسئله داری چون لمل نشود؟

سخن از جشنواره هنرهای تجسمی فجر شد. چند نفر از دست‌اندرکاران این رویداد که قرار بوده هر ساله، در احترام و بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی برپا شود، انقلابی و پنجاههفتی به‌شمار می‌آیند؟

واقعیت نفوذ در عرصه فرهنگ کاملاً جدی است. مصادیق بسیار است. «دعوت از لمل» تنها یک نشانه از نشانه‌های نفوذ توصیف می‌شود.

^[1] در این مقاله، جلال و جمال شعر انقلاب را در دوازده آینه بی‌غبار به تماشا می‌نشینیم

^[2] در این مقاله، جلال و جمال شعر انقلاب را در دوازده آینه بی‌غبار به تماشا نشستیم

^[3] در این مقاله، جلال و جمال شعر انقلاب را در دوازده آینه بی‌غبار به تماشا نشستیم